

## مگر دانشگاهیان گره از کار فروبسته ویرایش بگشایند

### گفت‌وگو با دکتر محمدجعفر یاحقی

رئیس انجمن علمی ویراستاری ایران

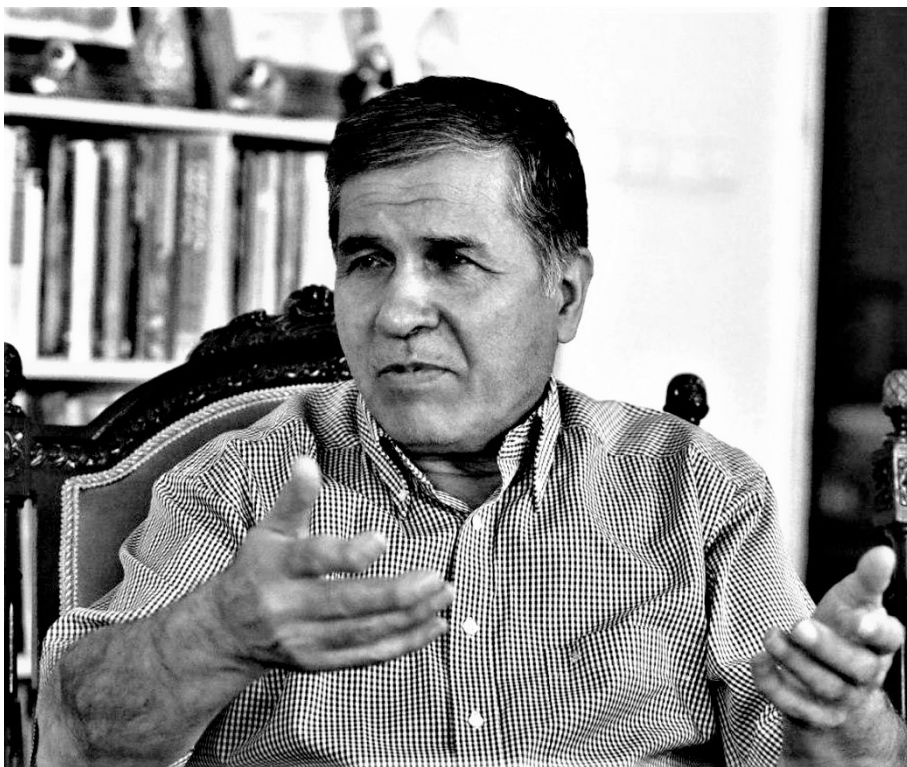
**خزاعی‌فر:** جناب آقای دکتر یاحقی، مطلع شدیم که «انجمن علمی ویراستاری ایران» به‌عنوان یکی از انجمن‌های علمی وزارت علوم تأسیس شده و جنابعالی هم به سمت ریاست این انجمن انتخاب شده‌اید. این انتخاب شایسته را به شما و همکارانتان در انجمن تبریک می‌گویم. هیئت مؤسس این انجمن پانزده تن از استادان دانشگاه‌های تهران هستند و هدف انجمن هم سیاست‌گذاری و پژوهش در زمینه ویراستاری و نیز آموزش و ارتقای دانش ویراستاری و تدوین شیوه‌نامه‌های ویراستاری اعلام شده است. این‌طور که من متوجه شدم هیئت مؤسس عمدتاً اساتید زبان و ادبیات فارسی هستند و ظاهراً در وزارت علوم، مسئله ویرایش جزو به‌اصطلاح «ابواب جمعی» رشته ادبیات فارسی تلقی شده است. چنان‌که می‌دانید، زبان و ادبیات را یکی دانستن مغالطه‌ای است که به‌خصوص آموزش فارسی از آن بسیار آسیب دیده است. آیا نهادی مثل «انجمن علمی دانشگاهی» که انتخاب اعضای مؤسس آن محدودیت دارد و اساساً یک نهاد دانشگاهی است که در چارچوب اهداف وزارت علوم کار می‌کند، می‌تواند به مسئله‌ای بپردازد که یک مسئله حرفه‌ای با ابعاد ملی است؟

**یاحقی:** از لطف شما سپاسگزارم. فرمایش شما از جهتی درست است و از جهتی هم نیاز به تکمیل دارد. بله زبان و ادبیات دو مقوله هست، اما نه دو مقوله کاملاً متفاوت، بلکه دو مقوله همگن و همراه و هم‌پیوند که از هر جهت به هم مرتبط است. شاید به همین دلیل بوده که گفته‌اند: رشته/گروه زبان و ادبیات فارسی؛ و این دو از هم تفکیک نشده و نگفته‌اند: رشته زبان فارسی و رشته ادبیات فارسی. درست است که ویراستاری همه‌اش زبان و اصطلاحات زبانی نیست تازه خود زبان هم به لفظ و ظاهر عبارت منحصر نمی‌شود؛ زبان با فرهنگ آغشته و آمیخته است و عناصر زبانی بار فرهنگی دارند که ممکن است هر فارسی‌زبان یا حتی هرکسی که مدعی ویراستاری باشد نتواند تشخیص بدهد. سوئی دیگر ویرایش مسائل فنی است که

باید با تمهیداتی فراگرفته شود. ویرایش تطبیقی هم هست که عمدتاً به آثار ترجمه‌شده مربوط می‌شود. همه این مقوله‌ها را هم می‌توان در چهارچوب ادبیات دید یعنی اگر ادبیات را به معنی علمی و فنی، و نه عامیانه آن، در نظر بگیریم غلظت ادبی آن از بقیه دانش‌ها بیشتر می‌شود. بخش فنی ویرایش البته رشته و تخصص ویژه‌ای نیست و هر کسی می‌تواند با آموختن اصول فنی کار در آن میدان هم صاحب‌نظر بشود؛ تنها ویرایش تطبیقی است که آن را هم می‌توان با مشارکت افراد زبان‌دان و با استفاده از متخصص هر زبان در صورت نیاز جبران کرد. به‌علاوه درصد متون ترجمه‌شده نسبت به متن‌های تولیدی اعم از شعر و داستان و گزارش و متون تصحیح‌شده و نوشته‌های آزاد و متن‌های علمی و مطبوعاتی ... چندان بالا نیست. اما اینکه می‌فرمایید «با ابعاد ملی» منظورتان را متوجه نمی‌شوم. اگر منظور ارتباط آن با فرهنگ ملی و افق‌های همگانی است به این معنی ادبیات و زبان هم ملی است و شاید هم ملی‌تر از خیلی از زمینه‌های دیگر.

**خزاعی فر:** اجازه بدهید درباره دو نکته در سؤال اولم توضیح بدهم. به رابطه زبان و ادبیات به طرق مختلف می‌توان نگاه کرد. به یک معنی، زبان و ادبیات از هم جدا نیستند چون اثر ادبی متنی است که با ابزارهایی زبانی نوشته می‌شود. ولی از طرف دیگر می‌توان گفت زبان شیوه‌ای برای برقراری ارتباط است و اثر ادبی یکی از انواع ارتباط‌هایی است که برقرار شده است. اینکه گفتم زبان و ادبیات نباید خلط شود از منظر آموزش زبان بود، یعنی نباید تصور کرد که می‌توان مهارت‌های زبانی یعنی مهارت‌های برقراری ارتباط (اعم از شفاهی و کتبی) را فقط به آموزش ادبیات منحصر کرد. اگر از ضعف فارسی‌نویسی دانش‌آموزان و دانشجویان خود می‌نالیم به این دلیل است که اینها در دوران دبستان و دبیرستان و دانشگاه مهارت‌های زبانی چندانی نیاموخته‌اند، نه اینکه ادبیات چندانی نیاموخته‌اند. نکته دیگر اینکه در مسئله ویرایش، محتوای متن اهمیت بسیار دارد و حجم بالای متونی که ویرایش می‌شوند متون غیرادبی و وابسته به رشته‌های مختلف دانشگاهی هستند و ویراستاران این متون طبعاً باید از میان دانش‌آموختگان همین رشته‌ها باشند. در این صورت به نظر می‌رسد که مسئله ویرایش اگرچه یک مسئله کاملاً زبانی است ولی منحصر به ادبیات فارسی نیست ولی نحوه عضوگیری انجمن‌های علمی وزارت علوم ظاهراً به شکلی است که همه اعضا باید از یک رشته باشند و به رتق وفتق علمی امور مربوط به همان رشته بپردازند، حال آنکه مسئله ویرایش، چنان‌که عرض کردم، نه انحصاراً مشکل گروه ادبیات فارسی است و نه راه‌حل آن انحصاراً در دست دانش‌آموختگان این رشته.

**یاحق:** اجازه می‌خواهم که در این مورد خیلی باشما هم داستان نباشم. اگر می‌گوییم زبان و آموزش زبان؛ یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن اینکه زبان حتی به معنای آموزش آن به



غیر اهل زبان، تنها واژگان و جملاتی نیست که زمینه ارتباط‌های معمولی را فراهم می‌کند. اینکه می‌گویند زبان وسیله ارتباط است ظاهراً بد دریافت شده است؛ بله وسیله ارتباط است اما بخشی از این ارتباط پیوندهای فرهنگی و معنایی است که ما را با کُنه و جوهره فرهنگ زبانی که فرا می‌گیریم آشنا می‌کند. به نظر بیاورید دو زبان‌آموز از دو زبان مختلف مثلاً انگلیسی و عربی، وقتی با آنها هم‌کلام می‌شوی یکی از پنجره نام‌ها و مفاهیم و مثال‌های دنیای انگلیسی (عمدتاً با عینک غربی) با شما مواجه می‌شود و یکی از روزنه نام‌ها و اندیشه‌ها و مفاهیم دنیای عربی با فرهنگ و هویتی متفاوت (و مثلاً خاورمیانه‌ای) به طوری که در همان برخوردهای اولیه می‌توان تفاوت نگاه این دو زبان‌آموز به زندگی را دریافت (تفاوت جهان‌بینی). دیده‌ایم نگاه و علقه‌های فکری کسانی که به زبان یک کشور تحصیل می‌کنند با کسانی که در یک کشور دیگر تحصیل کرده‌اند با هم متفاوت است. با اصطلاحات فرانکوفیل و آنگلوFIL همگی آشنا هستیم؛ این در حالی است که فرهنگ فرانسه و انگلیس با هم شباهت‌ها و تجانس‌های زیادی هم دارند. به این دلیل است که ما می‌گوییم و بر آنیم که حتی آموزش زبان را باید کسی برعهده بگیرد که با مبانی فرهنگ، و مثلاً ادبیات که آئینه آن است، آشنا باشد. تصور زبان منهای فرهنگ مثل تصور حیات بدون هواست.

در ارتباط با بخش پسین فرمایش شما عرض می‌کنم بله، ویرایش مثل بسیاری از هنرها و تخصص‌های دیگر در انحصار هیچ گروهی نیست، اما برخی از گروه‌ها به دلیل ماهیت کاری و تخصصی‌شان با برخی از زمینه‌ها تجانس و در نتیجه برای تعهد آن اولویت بیشتری دارند، چنان‌که مثلاً ترجمه در انحصار گروه‌های زبان نیست اما زبان‌دانان و زبان‌خوانده‌ها به دلایلی روشن برای تعهد آن اولویت تام دارند. اما این که فرموده‌اید انجمن‌های علمی لزوماً از یک رشته انتخاب می‌شوند، کلیت ندارد. در بین اعضای مؤسس همین انجمن ویراستاری افرادی از رشته‌های زبان‌شناسی، انگلیسی و فرانسه هم حضور دارند. به‌علاوه کلیه افرادی که دارای درجه کارشناسی ارشد در رشته‌های ادبیات فارسی، ادبیات انگلیسی، ادبیات فرانسه، و سایر زبان‌ها باشند می‌توانند با تصویب هیئت مدیره به عضویت این انجمن در آیند و در زمینه‌های مختلف ویراستاری فعالیت داشته باشند. متخصصان سایر رشته‌ها هم اگر فاقد مهارت زبانی و تسلط بر جنبه‌های مختلف فرهنگ، که لازمه تسلط بر زبان معیار است، باشند به نظر ما نمی‌توانند در کار ویراستاری موفقیتی کسب کنند و ما توصیه می‌کنیم به کار دیگری بپردازند. در هیچ زمینه‌ای ما به انحصار قائل نیستیم اما به تخصص و آگاهی و شایستگی چرا.

**خزاعی فر:** در باب ضرورت تأسیس این انجمن آمده است: «ویرایش در روزگار فعلی آن‌چنان گسترش بی‌حد و حصری یافته، که خود به یک مشکل تبدیل شده است. هر کسی از هر گوشه‌ای ادعای ویرایش و ویراستاری می‌کند به‌گونه‌ای که مشکل بتوان ویرایش سره را از ناسره تشخیص داد. این رویکرد غیرعالمانه موجب شده عده‌ای بدون اینکه دوره‌ای گذرانده باشند یا نزد استادی شاگردی کرده باشند، خود را ویراستار بدانند. این مسئله جدای از مشکلات فراوان، دیدگاه عموم جامعه علمی و ادبی را به این فن شریف تغییر داده، در نهایت موجب ضرر و زیان زبان و ادب فارسی خواهد شد.» در همین بیانیه، اهداف انجمن چنین تعریف شده است: «سیاست‌گذاری، گسترش، پیشبرد و ارتقای علمی دانش ویراستاری، تقویت زبان فارسی، ایجاد مرجعیت علمی در امر ویرایش، تهیه، تدوین و اصلاح شیوه‌نامه‌های ویراستاری، توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه ویراستاری.»

در اینجا دو سوال مطرح است: اولاً، مسائل ویرایش بسیار گسترده‌تر از چگونه فارسی نوشتن و نهایتاً تهیه یک شیوه‌نامه است. دوماً، در همین مسائل خرد ویرایش، انجمن ظاهراً در پی ایجاد یک مرجعیت علمی است تا بتواند به آشفتگی موجود در امر ویرایش خاتمه بدهد. چه تضمینی وجود دارد که جامعه ادبی ایران این «مرجعیت» و این شیوه‌نامه جدید را بپذیرد؟ مرجعیت افراد در هر حوزه از جمله ویرایش نخست باید احراز شود و صرف داشتن مدرک دکترای ادبیات فارسی مرجعیت زبان فارسی به کسی نمی‌دهد، ضمن اینکه اساساً همین آشفتگی در حوزه ویرایش خود حاکی از این حقیقت است که قبول مرجعیت در این

حوزه کاربرد زبان امری اگر نگویم غیرممکن لااقل دشوار است.

**یاحقی:** بله ماهم معتقدیم مرجعیت کار دشواری است، اما اگر کسی یا نهادی با کار درست و نظرگیر و نشان دادن مهارت و تخصص توانست و جاهت عام کسب کند به طوری که مخاطبان به کار و تولیدات فکری او اطمینان داشته باشند و من بعد در آن زمینه خاص به او مراجعه کنند، همین می شود مرجعیت. به علاوه قرار نیست همه کارهای ویراستاری کشور را همین چند نفر هیئت مؤسس انجام بدهند، بلکه برعکس هسته اولیه انجمن علمی بیشتر به کار ستادی می پردازد و این ستاد می تواند با موقعیت و امکانات قانونی که در اختیار دارد افراد متخصص در هر زمینه ای را — اعم از ویرایش فنی، ویرایش تطبیقی به زبان های مختلف، تربیت ویراستار و... — طبق ضوابطی به کار گیرد و سامان دهی کند و کار عملی را بسته به مورد به آنها بسپارد و خود بر حسن انجام کار آنها نظارت کند. شاید به همین منظور باشد که انجمن ویراستاری پیش بینی کرده است که علاوه بر تهران در شهرهای بزرگ شعبه هایی تأسیس کند که کارش شناسایی ویراستاران محلی و سر و سامان دادن به کار آنها باشد و از این طریق بتواند سیاهه ای از نام و تخصص ویراستاران سراسر کشور ترتیب دهد و از آنها بخواهد همگی بر اساس روشی علمی و بر مبنای شیوه نامه ای واحد، که قرار است بر اساس پیشرفته ترین متدهای جهانی تنظیم شود، به کار ویراستاری بپردازند. بخشی از تشریحی که در این اساسنامه بدان اشاره شده همین کارهای انفرادی و سلیقه های متفاوتی است که هر ناشر و گاه هر ویراستاری بدون توجه به ماهیت اثر و شیوه نامه های علمی موجود به کار می گیرد و از این رهگذر به بی سروسامانی زبان فارسی و پراکندگی اصول گرامری و نگارشی فارسی دامن می زند. می دانیم و می بینیم که افراد فاقد صلاحیتی از رشته های مختلف و نامربوط با شیوه های خودکرده و خودساخته و یا دست کم و در حالت خوش بینانه آن به طور سلیقه ای به ویراستاری می پردازند بدون اینکه صلاحیت و توانایی و بایستگی لازم را برای تعهد چنین امر خطیری داشته باشند. فکر کردیم شاید انجمن بتواند از طریق وجاهت قانونی و تنظیم شیوه نامه ای استاندارد براساس معیارهای علمی و بین المللی، و مثلاً با توجه به شیوه نامه های امثال شیکاگو، و بعد هم آموزش و الزام ویراستاران به رعایت آن، به این آشفتگی ها سر و سامانی بدهد که البته کار دشوار و زمانگیر و طاقت فرسایی است.

**خرزاعی فر:** بنا بر تجربه ای که من دارم، دوستانی که رشته شان زبان و ادبیات فارسی است، نشرشان و حتی گاه صحبت کردنشان متأثر از دل بستگی آنها به ادبیات فارسی است. می دانیم که در نثرهای علمی و توضیحی که در مقایسه با نثر ادبی شاید بیش از ۹۵ درصد متون را تشکیل می دهند، صراحت و روشنی مهم تر از زیبایی است و اصلاً زیبایی گاه مخمل خواندن و درک است چون حواس خواننده را به چیزی غیر از موضوع بحث پرت می کند. آیا مرجعیت علمی در امر ویراستاری نباید از این تعصب و گرایش خواسته یا ناخواسته دور بماند تا در

بین ویراستارانی که با متونی بسیار متنوع کار می‌کنند نوعی مقبولیت پیدا کند؟

**یا حقی:** اولاً چنین نیست که همه استادان زبان فارسی زیبانویس و خوش قلم باشند. در ثانی اتفاقاً ادبی نویسی گاهی بین غیرادبیاتی‌ها بیشتر پسند افتاده است. به علاوه، این تصور بیشتر ناشی از آن است که فرض را بر این گذاشته‌ایم که قرار است همه کارهای ویراستاری کشور را همین چند نفر استادان زبان فارسی، که اتفاقاً برخی‌شان بسیار هم پرمشغله هستند، برعهده بگیرند. انجمن بر آن است که «نظام ویراستاری» را پیشنهاد کند تا در کنار «نظام پزشکی» و «نظام مهندسی» بتواند به کار نظارت بر ویراستاری کشور بپردازد. مگر در نظام مهندسی همه کارها را هیئت مدیره نظام انجام می‌دهند یا کارها را طبق ضوابطی به مهندسان متخصص و دارای کد نظام مهندسی ارجاع می‌دهند؟ هیئت مدیره فقط به کار ستادی و تنظیم شیوه‌نامه و آیین‌نامه‌ها و دیگر امور ستادی خواهد پرداخت و برای انجام کار ویراستاری از بدنه ویراستاران کشور استفاده خواهد کرد، البته آنهایی که صلاحیت و دانش لازم را داشته و قادر باشند از زبان معیار که پیکر فرهنگی ما را صیانت می‌کند پاسداری کنند.

انجمن بر آن است که «نظام ویراستاری» را پیشنهاد کند تا در کنار «نظام پزشکی» و «نظام مهندسی» بتواند به کار نظارت بر ویراستاری کشور بپردازد.

همین الان که من به شما پاسخ می‌دهم در انجمن برای تأسیس یک مجله تخصصی ویراستاری برنامه‌ریزی می‌شود و کمیته‌ای معین شده که با پیشنهاد افرادی ذیصلاح از دانشگاه‌ها و رشته‌های مختلف و تشکیل هیئت تحریریه و پیش‌بینی سازوکارهای ثبت آن در وزارت عتف مشغول به کارند که آن هم زمینه را برای بحث‌های نظری و فنی در مورد ویراستاری فراهم خواهد کرد، درست مشابه کاری که سال‌هاست شما در مجله مترجم می‌کنید و به مسائل نظری حول ترجمه پرداخته‌اید و چقدر جای این جور مجلات تخصصی در کشور خالی است!

**خرزاعی فر:** صحبت از مرجعیت علمی شد، با توجه به اینکه جنابعالی در فرهنگستان هم حضور دارید، توفیق فرهنگستان را به‌عنوان یک مرجع علمی در امر ویرایش چگونه می‌بینید؟ اگر معتقدید فرهنگستان چندان موفق نبوده در این صورت انجمن علمی که نهادی دانشگاهی است و انگیزه تأسیس و تداوم آن در چارچوب دانشگاه معنی می‌یابد، چطور می‌تواند مرجع باشد؟ و اگر معتقدید فرهنگستان به‌عنوان یک مرجع علمی در زمینه ویرایش موفق بوده در این صورت چه نیازی به یک مرجع دیگر وجود دارد؟

**یاحقی:** همان‌طور که فرمودید، من سال‌هاست که عضو فرهنگستانم و از نزدیک ناظر وظایف، فعالیت‌ها و اقدامات علمی آن هستم. ابداً فرهنگستان به کار ویراستاری نمی‌پردازد و قرار هم نیست بپردازد. اساساً کار فرهنگستان اجرایی نیست. فرهنگستان بر کلیات مسائل مربوط به زبان فارسی نظارت می‌کند و در برخی زمینه‌های مربوط به زبان و ادبیات فارسی به تحقیق می‌پردازد. اگر فرهنگستان نقشی در ویراستاری کشور داشته باشد آن چیزی جز تدوین دستور خط و پیشنهاد فرهنگ املائی فارسی نیست. فرهنگستان دستور خط تدوین و فراهم می‌کند و در اختیار همگان می‌گذارد و حتی بر اجرای آن هم نظارت ندارد؛ یعنی طبق اساسنامه تنها به نظارت اکتفا می‌کند. اتفاقاً انجمن ویراستاری با فرهنگستان همکاری و همیاری نزدیکی دارد. اصلاً دو تن از اعضای فرهنگستان یعنی شادروان دکتر حسن ذوالفقاری و بنده از همان آغاز در هیئت مدیره انجمن بودیم و همه کارها در ارتباط و با حمایت فرهنگستان صورت می‌گرفت و هنوز هم می‌گیرد. باید بگویم فرهنگستان هم در واقع ستاد تصمیم‌گیری‌های کلی مربوط به زبان و ادبیات فارسی است و نهایتاً انتشار مجلات متعدد برای طرح موضوعات مربوط به مسائل مختلف زبان فارسی. در فرهنگستان مسابقات و رقابت‌هایی تعریف شده و گاهی اجرا می‌شود که طبق یک سازوکار مشخص با اهدای لوح به نشریات و روزنامه‌هایی که به امر درست‌نویسی و مراعات اصول علمی اهتمام بیشتری دارند، به تشویق آنان می‌پردازد. غیر از تدوین دستور خط، این هم یکی دیگر از دخالت‌هایی است که فرهنگستان در امر ویراستاری دارد.

**خرزاعی‌فر:** به نظر شما در حال حاضر مهم‌ترین مباحث نظری در حوزه ویرایش که نیاز به مرجعیت علمی دارد کدام است؟ بسیاری از نویسندگان مباحثی را که در کتاب‌های ویراستاری می‌بینیم از جمله مسائل ذوقی به حساب می‌آورند و تابع احکام درست یا غلط نمی‌دانند. ولی البته زمینه برای نظریه‌پردازی در حوزه‌های کلی‌تر و مرتبط با کاربرد زبان فارسی وجود دارد. از جمله این مسایل نحوه مواجهه زبان فارسی با دنیای جدید و در تقابل یا همکاری با دیگر زبانها از جمله زبان علم است. آیا انجمن علمی بنا دارد از دیدگاهی تجویزی به مسائل خرد ویرایش بپردازد یا به مسائل کلان ویرایش هم توجه دارد؟

**یاحقی:** انجمن هنوز در آغاز راه است و کارهای اجرایی زیادی در پیش دارد که مرحله به مرحله به هدف اصلی خود نزدیک می‌شود. بدون تردید، هم مسائل کلان ویراستاری مانند تعامل با دنیای علم، فضای مجازی و همگرایی با دیگر زبان‌ها و دانش‌ها در چشم‌انداز آن هست و هم می‌تواند به موضوعات نظری ریزتر و قابل بحث و بررسی بپردازد. اصلاً یکی از هدف‌های تأسیس مجله و شاید بعدها خبرنامه داخلی انجمن همین باشد که زمینه را برای بحث آزاد درباره مسائل مورد اختلاف فراهم کند. ما مسائل زبانی مربوط به ویراستاری را ابداً ذوقی و یا سلیقه‌ای نمی‌دانیم. زبان فارسی مثل هر زبان زنده دنیا ضوابط و قوانین خاص خود

را دارد که استادان فن آن را می‌شناسند و این ابداً کاری ذوقمندانده نیست. چرا می‌گوییم فرهنگستان دستور خط و شیوه‌املائی باید بنویسد و ما خود را موظف به رعایت آن می‌دانیم؟ برای آنکه در فرهنگستان زبان‌شناسان و متخصصان امر از رشته‌های گوناگون طی ماه‌ها و سال‌ها صرف وقت به نتایج علمی خاصی می‌رسند. البته ما توجه داریم که اقتضات همگامی با جهان امروز را هم نباید از یاد ببریم، اما همین امر انطباق زبان و خط بر نیازهای روز هم کاری تخصصی و به نظر ما مربوط به وظایف فرهنگستان است و ما یقیناً این تعامل را با فرهنگستان خواهیم داشت.

ما مسائل زبانی مربوط به  
ویراستاری را ابداً ذوقی و یا  
سلیقه‌ای نمی‌دانیم. زبان فارسی  
مثل هر زبان زنده دنیا ضوابط و  
قوانین خاص خود را دارد که  
استادان فن آن را می‌شناسند

**خزاعی فر:** چنان‌که می‌فرمایید انجام این اقدامات از طرف فرهنگستان بسیار لازم و مبارک است و در مورد کم‌وکیف آن شاید لازم باشد جداگانه گفت‌وگو کنیم، ولی اشاره کردید که انجمن به‌زودی مجله‌ای تأسیس خواهد کرد. آیا این مجله هم از نوع مجلات پژوهشی وزارت علوم است یا مجله‌ای است که فارغ از دغدغه‌ها و انگیزه‌های دانشگاهی دیگر مجلات پژوهشی انعکاس‌دهنده نظرها و تجربه‌های طیف وسیع‌تری از دست‌اندرکاران ویرایش خواهد بود؟

**یا حقی:** در پاسخ باید عرض کنم پیش‌بینی انجمن برای تأسیس مجله البته از نوع دیگر مجلات وزارت عتف است یعنی با سمت و سوی علمی پژوهشی. ما می‌دانیم که اشتیاق وزارتخانه و دانشگاه‌ها و انجمن‌ها برای راه‌اندازی مجلات قدری کاذب و در راستای فرونشاندن عطش ارتقا و کسب امتیاز است — امتیاز برای دانشگاه‌ها و انجمن‌ها و ارتقا به مدارج بالاتر برای نویسندگان مقالات و فارغ‌التحصیلی دانشجویان — نه برای بالابردن دامنه دانایی و کمک به نشر علم و آگاهی. اما باید بیفزاییم که راه برای طرح نظرات فنی و علمی حتی در همین مجلات هم تا حدی باز است به این ترتیب که می‌توان نکته‌ها و دریافت‌هایی علمی و فنی را که در قالب مقاله علمی پژوهشی هم نباشد با عنوان علمی مروری و نقد و نظر در همین مجلات چاپ کرد. بگذریم از اینکه خبرنامه‌های داخلی، وبگاه‌های اختصاصی انجمن و امکانات فضای مجازی هم هست که در آنجا آزادتر بتوان موضوعات مورد بحث را با مخاطبان بیشتری در میان گذاشت.

**خزاعی فر:** می‌دانید که در کشورهای غربی ویرایش آن‌گونه که در ایران اعمال می‌شود وجود ندارد و بحث ویرایش بیشتر به موضوع شیوه‌نامه‌ها محدود است. در ایران قاعده بر



این است که هر کتابی باید ویرایش شود و این ویرایش معمولاً مداخله‌گرانه است، چه این مداخله خوب و لازم باشد و چه بد و غیرلازم و به اصطلاح سلیقه‌ای. پس در اینجا فرض بر این است که هر کتاب نیاز به ویرایش دارد ولی در غرب فرض بر این است که هیچ کتابی نیاز به ویرایش ندارد مگر در موارد استثناء. البته منظورم از ویرایش، ویرایشی است که در ساختار جملات و در انتخاب کلمات دست می‌برد. به اعتقاد من، این نوع ویرایش در ایران نتیجه ضعف در نگارش است و اگر نویسندگان و مترجمان خوبی داشتیم به این نوع ویرایش نیازی نبود، ضمن اینکه اساساً برای این نوع ویرایش نمی‌توان حد و حدودی قائل شد و آن را تعریف کرد، مخصوصاً در ویرایش ترجمه، چون دست‌بردن در جمله ترجمه‌شده مستلزم تسلط ویراستار بر زبان متن اصلی نیز هست. حال سؤال این است که چطور می‌توان به جای پرداختن به معلول به علت پردازیم و به جای اینکه ویراستار تربیت کنیم نویسنده یا مترجم تربیت کنیم؟ اگر دیارتمان‌های زبان و ادبیات فارسی قادر به تربیت نویسنده نیستند چطور می‌توانند ویراستار تربیت کنند؟

**یاحقی:** تا آنجاکه ما می‌دانیم در کشورهای غربی هم ویراستاری اهمیت دارد و سال‌هاست که راه خود را پیدا کرده و به تأسیس انجمن‌ها و نهادهای خاص ویراستاری در کشورهای مختلف و نهایتاً به تدوین ضوابط کار در قالب شیوه‌نامه‌های متعدد از نوع شیوه‌نامه شیکاگو منتهی شده است. اتفاقاً به دلیل اهمیت و در نتیجه رسمیت ویراستاری است که اکنون ما نیاز آثار غربی به ویرایش را کمتر حس می‌کنیم برای آنکه بیشتر نویسندگان و ناشران به رعایت اصول درست‌نویسی خو گرفته‌اند. ضرورت امر ویراستاری در ایران یا بهتر در زبان فارسی بیشتر ناشی از دو امر است: یکی ماهیت زبان و خط فارسی که متنوع و سلیقه‌بردار است و دیگر، همان‌طور که شما هم فرمودید، عدم وجود یا بسیار کم نویسندگان خبره و زبان‌دان، یعنی کسانی که با زبان معیار به صورت فنی آشنا باشند و اساساً بتوانند درست و بی‌عارضه بنویسند. تغییر اساسی بنیادهای زبان و چاره‌اندیشی در مورد ساختار گرامری و خطی زبان و کج‌تابی‌های آن فعلاً از اختیار ما بیرون است. تربیت نویسندگان خبره و آگاه از رموز درست‌نویسی و زبان‌دانی هم، چنانکه در غرب متداول و معمول است، ساز و کار و برنامه‌ریزی‌های ملی و درازمدتی می‌طلبد که دسترسی به آن هم در حال حاضر از امکانات ما و شما و نهادهای علمی و آموزشی مانند فرهنگستان، آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها بیرون است. اگر محصل فارسی زبان از همان آغاز با برنامه آموزشی صحیح و آگاهانه و متخصصانه‌ای — مانند آنچه در غرب متداول است — بار می‌آمد به طوری که وقتی فارغ‌التحصیل می‌شد دانش زبانی یکنواخت و لازمی پیدا می‌کرد، با واژه‌ها و کاربردهای ادبی و زبانی و مصطلحات مختلف و موقعیت آن در افق‌ها و معانی گوناگون آشنا می‌بود شاید کتاب‌ها و نوشته‌ها امروز

نیاز به ویراستاری کمتری داشت و در مواردی شاید هم نمی داشت، چنان که فی المثل در اندکی از آثار و نوشته‌های نسل اول دانشگاهی ما امثال فروزانفر و فروغی و بهار و خانلری و اقبال آشتیانی و مینوی و علی اصغر حکمت و علی اکبر سیاسی و امثال آنها تا حدودی پیدا می شد. اما چه کنیم که خانه از پای بست ویران شده است و عدم مراقبت و بی صلاحیتی معلمان و ناکارآمدی روش های غلط آموزشی راه را بر هر اصلاحی بسته و ما را ناگزیر کرده است که با اهرمی مثل ویراستاری، آن هم تا حد کمی، از این بدکاری و آشفتگی و فارسی ندانی جلوگیری کنیم. در غرب چنانکه می دانید همه اصول درست نویسی و درست اندیشی از پایه و حتی پیش از آموزش های رسمی آموخته و تا فرد به بزرگسالی برسد ملکه ذهن می شود؛ نتیجه آن که فارغ التحصیل مدرسه می تواند درست بنویسد و تا حد زیادی درست هم بیندیشد. می دانیم برای ادامه تحصیل در دانشگاه های غرب علاوه بر مدرک بالای قابلیت زبان برای دانشجویان غیربومی قبل از ورود به مراحل بالای تحصیلات دانشگاهی، کلاس و کارگاه نگارش و ظرافت های زبانی می گذارند و تا این کارگاه ها و

آموزش ها را با توفیق پشت سر نگذارند به آنها اجازه شروع به کار داده نمی شود. نتیجه این شده است که استادان ما که تحصیل کرده غرب هستند به زبان انگلیسی روان تر و راحت تر و درست تر از فارسی می توانند بنویسند. جای بسی تأسف است که حتی بسیاری از استادان دانشگاه های ما حتی برخی استادان فارسی و آنها که مدعی تألیف و انتشار کتاب هستند از نوشتن یک نامه درست و بی غلط یا تهیه یک گزارش روشن و گویا ناتوانند. ویراستاری قرار است جلو نارسائی و ناهمواری نوشته های همین مؤلفان

---

ناکارآمدی روش های غلط  
آموزشی راه را بر هر اصلاحی  
بسته و ما را ناگزیر کرده است  
که با اهرمی مثل ویراستاری،  
آن هم تا حد کمی، از این  
بدکاری و آشفتگی و  
فارسی ندانی جلوگیری کنیم.

---

کم مایه را بگیرد و از تشنّت سلیقه و ندانم کاری های موجود بکاهد. تربیت زبان دانان چیره دست و درست نویسانی که کارشان نیاز به ویراستاری نداشته باشد از توان و عهده انجمن ویراستاری و هر نهاد دیگری بیرون است. حتی در شرایط حاضر از دانشگاه ها و رشته های زبان و ادبیات هم نمی توان چنین انتظاری داشت که وظیفه رشته های زبان و ادبیات فارسی، تازه اگر درست انجام شود، نه تربیت نویسندگان به معنی فنی آن بلکه تنها فارسی دان و ادبیات شناس است.

در خصوص ویرایش آثار ترجمه شده با شما هم داستانی که کار دو یا حتی چند برابر دشوار می شود زیرا ویراستار این گونه متون باید دانش زبان مبدأ را در حد بالایی داشته باشد، به دقایق

زبان فارسی کاملاً واقف باشد و ظرافت‌های دیگر کار ترجمه را بداند. وقتی می‌گوییم دانش زبانی فقط زبان عادی محاوره و معمولی، که هر فارسی‌زبانی می‌تواند مدعی آن باشد، منظور ما نیست؛ ویراستار باید زبان معیار و پیشینه و زمینه‌های آن را به صورت تاریخی دانسته باشد، مراحل تحول و دگرگونی‌های تاریخی زبان را بشناسد، با خط و زمینه‌های دگرگونی و کج‌تابی‌های آن آشنا باشد، واژگان فارسی و ریشه و زاد و رود و موارد استعمال تاریخی هر کلمه را بداند، از تلفظ صحیح و دگرگونی‌های تاریخی آن سر در بیاورد، نقش هر کلمه را در متن بتواند با توجه به موقعیت و اسلوب نوشته تشخیص بدهد و باین‌حال از ظرافت‌های سبک‌شناسیک واژه‌ها و جمله‌ها هم بی‌خبر نماند. گذشته از همه اینها، آگاهی از زیروبم دانشی که موضوع کتاب ترجمه‌شده است نیز ضرورت دارد. بدیهی است تصرف در نثر و جمله‌بندی و ساختار زبانی مترجم هم ابدأ روا نیست و هرگونه دگرگونی و تغییری نباید به منظور مؤلف اصلی خدشه وارد کند. گذشته‌ازاین، هر نویسنده و مترجم صاحب‌قلمی البته برای خودش سبکی و اسلوبی دارد که دخالت ویراستار در نوشته نباید موجب تغییر اسلوب صاحب‌قلم اصلی بشود. انجمن ویراستاری بر آن است تا آنجا که در توان دارد این دربایست‌ها را مطرح کند و آموزش بدهد تا قدری از دشواری‌ها و نابسامانی‌های موجود بکاهد. دنیای آرمانی در عالم ویراستاری هم مثل هر اتوپیای دیگر تنها درعالم خیال متصوّر خواهد بود. 